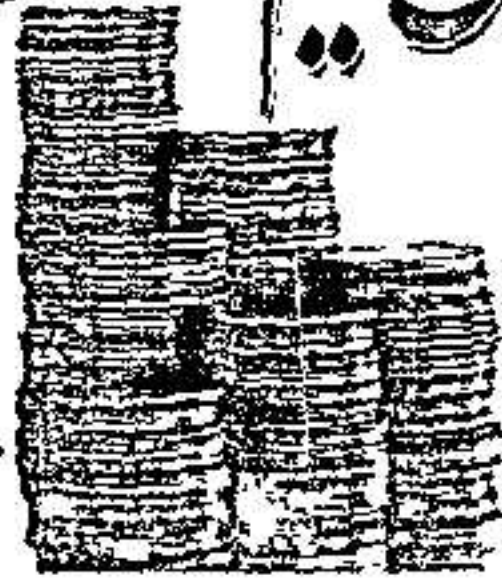
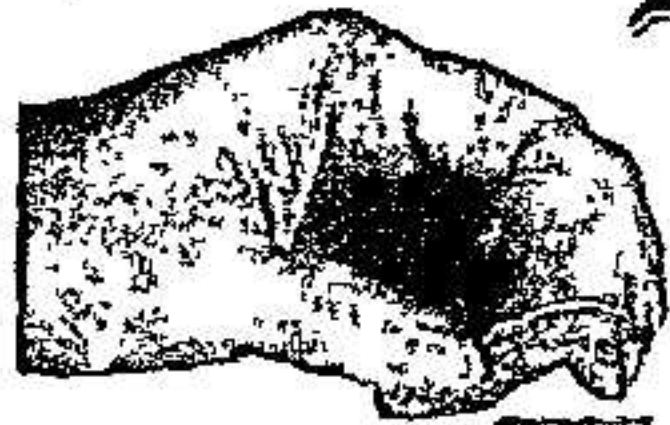


حیات طیبه

۱۷۴۳۳



ارزش مال از نظر قرآن کریم

دکتر سید عبدالوهاب طالقانی

حیات طیبه و ارزش مال از نظر قرآن کریم

فصلنامه قرآنی کوشش ۱۶

✽ ارزش مال از نظر قرآن

«وَلَا تَتَّبِعُوا السَّفَهَاءَ اَمْوَالِكُمْ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (۱)

✽ مقدمه:

قرآن کریم می فرماید: «قد جاءكم من الله نور وكتاب مبين» * یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام وینخرجهم من الظلمات الی نور بسا اذنه و یهدیهم الی صراط مستقیم» (۲)

(من برای هدایت شما انسان ها! به صراط مستقیم و راه های ایمن و بی گزند آمده ام تا شما را از تیرگی ها و تاریکی های جهل و فساد و عقب افتادگی نجات بخشم و شما را در جایگاه رفیع روش شن و نورانی دانش و صلاح و پیروزی و سربلندی، آرامش درون قرار دهم. چه شده که با داشتن این دستور العمل و حیانی و عقلانی، هنوز به راه نیافتاده اید؟)

آنها که دورند، بهره ای از من نمی برند و آنان که خود را نزدیک و اهل من می دانند، از سر چشمه زلال معارف من بهره مند نمی شوند و عمده تلاش خود را به حواشی و تزئینات و مسائل جنبی من مصروف می دارند: این تذهیبون؟

۱. سوره نساء/۱
۲. سوره مائده/ قسمتی از آخر آیه ۱۵ و تمامی آیه ۱۶.

پیروان من، باید به ندای:

«یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول ادا دعاکم لما یحییکم» (۳)
عملاً پاسخ دهند، رستگاری و حیات طیبه را در شناخت
معارف من و عمل به آنها بجویند.

✽ ارزش مال از نظر قرآن کریم:

از دیرباز بعضی از مسائل بنیادین و اساسی اسلام و قرآن کریم به گونه‌ای
تفسیر و بیان شده که با حیات واقعی و پیشرفت اقتصادی جامعه و
سربلندی مسلمانان سازگار نبوده و با برداشت‌های غلط نه تنها با فقر و
بیکاری و انحطاط مبارزه نشد، بلکه برخی آداب و رسوم مخالف
شرع را هم یکی از راه‌های تصفیه درون و کشتن عجب و کبر دانسته
و در یوزگی را جزء افتخارات خود آورده و برای توجیه کار خود به
فرمایش پیغمبر ﷺ استناد جسته (۴)، اینان فرق «فقرالی الله» را از «فقرالی
الناس» باز نشناخته و حتی جهت امرار معاش خود و هم مسلکان
خویش به پرسه زدن، ولگردی و پرداخته و از فرمایش
رسول الله ﷺ «ملعون من القی کله علی الناس» (۵) غفلت نموده.

جلال الدین محمد مولوی در اوائل دفتر دوم مثنوی تحت عنوان
«فروختن صوفیان بهیمه مسافر را جهت سماع» برای تقبیح تقلید و
مذمت مقلدان عوام می گوید:

گفت والله آمدم من بارها

تا ترا واقف کنم زین کارها

تو همی گفتی که فر رفت ای پسر

از همه گویندگان با ذوق تر

باز می گشتم که او خود واقف است

زین قضا راضی مرد عارف است

گفت آنرا جمله می گفتند فوش

مر مرا هم ذوق آمد گفتنش

مر مرا تقلیدشان بر باد داد

که دوصد لعنت بر آن تقلید باد

فاصه تقلید چنین بی ماصلان

فشم ابراهیم با بر آفلان

و داستان را شروع می کند و عمل صوفیان را برای تهیه غذا از راه حرام



۳. سوره انفال / ۲.

۴. الفقر المحری.

۵. وسائل الشیعه / چاپ قدیم ۲۰
جلدی / چاپ جدید ۳۰ جلدی / ج ۱۷ /
ص ۲۲. (تذکر: آنچه در این نوشتار از وسائل
الشیعه نقل می‌شود تماماً از چاپ جدید می‌باشد)

(فروختن الاغ صوفی دیگر بدون اطلاع و اذن و رضایت او) با استناد به آیه: «فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلاتم علیه» (۶) توجیه می نماید:

صوفیان تقصیر بودند و فقیر

کاد فقر ان یعی کفراً یبیر

ای توانگر تو که سیری هین

مفلد بر کزی آن فقیر دردمند

کز ضرورت هست، مرداری مباح

بس فسادی کز ضرورت شد صلاح

هم در آن دم آن خاک بفروفتند

لوت آوردند و شمع افروفتند

اما این توجیه و استدلال با آیه مورد استناد، سازگار نیست.

زیرا آیه صریحاً می فرماید: مضطر در حالت اضطرار بشرطی که با میل و رغبت نخورد و از حد ضرورت تجاوز نکند اکل میت و آنچه بر دیگران حرام است بر او مباح می گردد اما وقتی در ضمن داستان، اینچنین می خوانیم:

لوت (۱۳) خوردند و سماع آغاز کرد

خانقه تا سقف شد پر دود و گرد

دود مطبغ گرد آن پاکوفتن

اشتیاق و همد جان آشوفتن

چون سماع آمد ز اول تا کران

مطرب آغازید یک ضرب کران

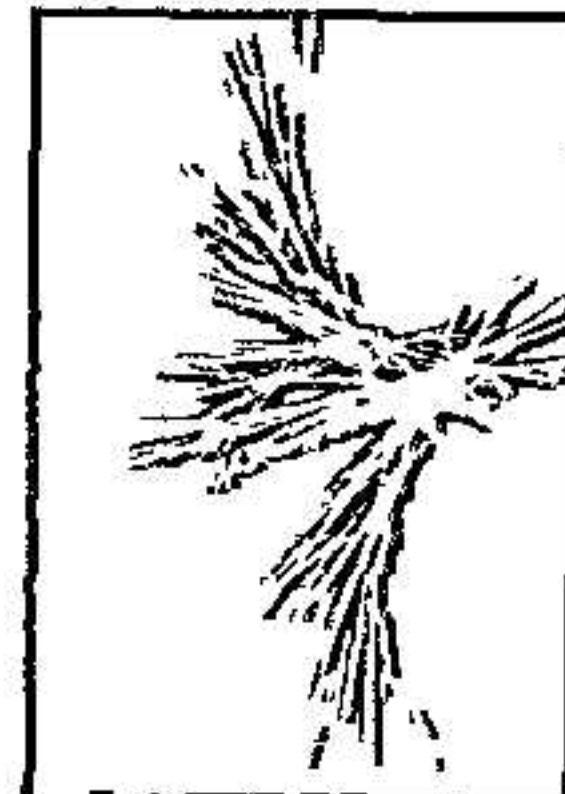
فر برفت، فر برفت آغاز کرد

زین مزارت جمله را انبار کرد

حال آنان را فراتر از حال مضطر (که خوردن حرام بر او مباح می گردد) می بینیم.

این نوع داستان‌ها، نشان می دهد جامعه اسلامی در فقر فرهنگی به سر می برد و به جای تلاش و کوشش در ارتقاء سطح فرهنگ، عمر خویش را به بطالت طی نموده اند.

امید است جامعه اسلامی هوشیارتر گردد و با عمل به دستورات صریح آیات نورانی قرآن، انحطاط گذشته را جبران نماید و برای



همیشه به این نوع رفتارهای ناپسند پایان دهد.

کار و کوشش و تحصیل علم در راه احیاء اراضی، استخراج معادن، بکار انداختن صنایع و مایحتاج و صدها طرح های مفید، برای بدست آوردن مال و صرف آن در جهت حفظ آبروی خود و خانواده و افراد جامعه و بذل و بخشش در راه های پسندیده، بسیار ضروری و مهم است و قرآن کریم با بهترین تعریف اقتصادی، جایگاه بلند مال و ارزش آن را مشخص فرموده:

«وَلَا تَوْتُوا السَّغَیَاءَ اَمْوَالِکُمْ الَّتِیْ جَعَلَ اللّٰهُ لَکُمْ قِیَامًا» (۷)

قرآن مال را مایه قوام و استواری افراد و حفظ نظام جامعه دانسته و سفارش می کند ضمن آنکه در تربیت یتیمان نابالغ و تأمین معاش آنها باید مراقبت کامل شود ولی نباید مال در اختیار آنان قرار گیرد تا بر اثر عدم توانائی و رشد آنان، مال تلف شود و در آینده، زندگی آنها فلج گردد.

چه آنکه اموال در آیه را متعلق به یتیمان بدانیم و چه ملک سرپرستان، ارزش آن ارتباطی با مالک آن ندارد بلکه خود مال ارزش دارد و جامعه باید قدر آن را بشناسد و در حفظ و نگهداری آن از طریق تجارت سالم سود آور کوشا باشد و سرانجام، یتیمان که بالغ شدند و به حد بلوغ یعنی زمان تشخیص مصالح خود رسیدند و در آزمایش موفق آمدند، به فرمان خدای حکیم باید عمل شود و اموال آنها را به آنان تسلیم نمود.

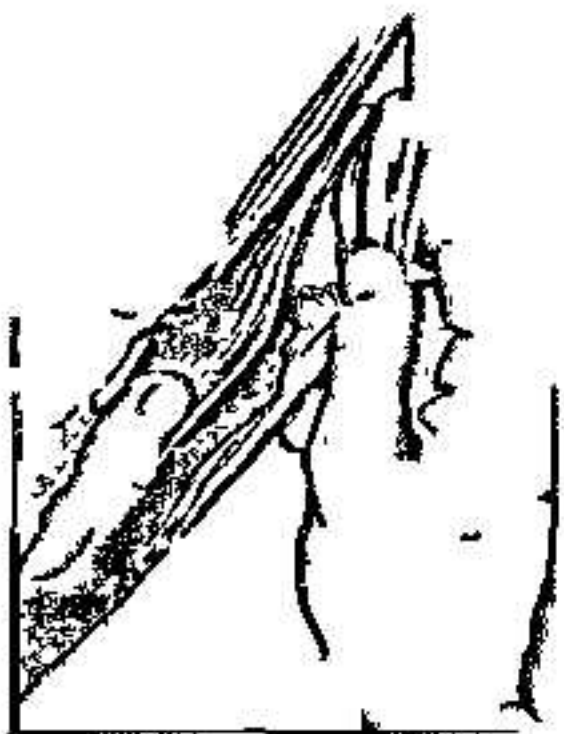
«وَابْتَلُوا الْیَامِیَ حَتّٰی اِذَا بَلَغُوا النِّکَاحَ فَاِنْ اَنْتُمْ مِنْهُمْ رِشْدًا فَادْفَعُوا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ» (۸)
و هنگام تحویل مال به صاحبان، بخاطر اهمیت و ارزش آن و رفع ادعای منازعه آمیز احتمالی بعدی، باید شاهد بگیریید.

«فَاِذَا دَفَعْتُمْ اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَاَشْهَدُوا عَلَیْهِمْ وَ کَفٰی بِاللّٰهِ حَسِیْبًا» (۹)

مال، از دو جهت مایه استواری و قوام جامعه است:

الف) بیشتر دستورات الهی، منوط به داشتن مال است و با فقدان مال، انجام آنها میسر نخواهد بود.

ب) حیات و زندگی طبیعی افراد از خوراک و پوشاک و مسکن و درمان و ... تماماً در گرو مال و دارائی است.



۷. سوره نساء
۸. سوره نساء/۶
۹. سوره نساء

❁ نمونه هاى قرآنى قسمت اول:

۱- زكاه:

«واقموا الصلاه واتوا الزكاه وما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله» (۱۰)
پرداخت زكات، منوط منوط به حد نصاب رسيدن دارائى هاى ۹ گانه است كه شرح آن در كتب فقهى آمده است.

۲- خمس:

«واعلموا انها غنم من شىء فان لله خمسها وللرسول ولذي القربى

واليتيمى والمساكين وابن السبيل» (۱۱)

پرداخت خمس به ارباب مكاسب، معادن استخراج شده و آنچه از غواصى بدست آمده و ساير موارد تعلق مى گيرد.

۳- انفاق و صدقات:

«الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله» (۱۲) * «وتصدق علينا ان الله يجزي المتصدقين» (۱۳)

۴- اقراض:

«من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً» (۱۴) * «واقرضوا الله قرضاً حسناً» (۱۵)

انفاق كردن و قرض دادن، منوط به داشتن مال و دارائى است.

۵- زكاه فطر (فطريه):

پرداخت فطريه در روز عيد فطر، منوط به تمكّن مالى است. آنكه مال

ندارد و فقير است زكاه مى گيرد. اگر انسان بخواهد از تمامى اين مزايا

بهره مند گردد بايد با تلاش و كوشش و بكار انداختن طرح هاى

اقتصادى جامعه اسلامى، فقر را ريشه كن كند و با بدست آوردن مال

از طريق مشروع و صرف آن در كارهاى خير، با نيت پاك و خالص

(ابتغاء مرضات الله) آخرت خود را آباد سازد.

۶- فريضه حج و قربانى:

«ولله علي الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً» (۱۶) *

«والبدن جعلناها لكم من شعائر الله» (۱۷)

فقير بدون مال، هرگز مستطيع نمى شود و شتر چاق يا اغر را هم

نمى تواند قربانى كند.

- ۱۰- سوره بقره/ ۱۱۰.
- ۱۱- سوره انفال/ ۲۱.
- ۱۲- سوره بقره/ ۲۶۲.
- ۱۳- سوره يوسف/ ۸۸.
- ۱۴- سوره بقره/ ۲۴۵.
- ۱۵- سوره مزمل/ ۲۰.
- ۱۶- سوره آل عمران/ ۹۷.
- ۱۷- سوره حج/ ۳۶.

۷- جهاد:

«واعذوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم» (۱۸)
ارهاب دشمن خدا و دشمن خود و تحقق جهاد، منوط به توان و رباط الخيل (اسبان آماده) است که بدون داشتن مال، شرائط جهاد تحقق نمی پذیرد:

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون» (۱۹)

مشتري: خداوند - بايع: مؤمنان - ثمن: بهشت - مثنى: جان و مال. آن که مال ندارد در این معامله همچون مال دار، سود نمی برد.

۸- تعمیر مسجد: «انما يعمر مساجد الله من امن بالله و اليوم الآخر» (۲۰)
بنای مسجد و مراکز خیریه عام المنفعه چون مدارس، حسینیه ها، بیمارستان ها، راه سازی، تأمین مایحتاج عامه مردم و تعمیر مساجد و دیگر بناهای خیر، منوط به داشتن مال می باشد.

۹- بنده آزاد کردن و پرداخت دیه:

«و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمنا الا خطا و من قتل مؤمنا خطا فتحرير

رقبه مؤمنه و ديه مسلمه الي اهله» - (۲۱)

بنده آزاد کردن و پرداخت دیه، فرع تمکن و دارائی است.

۱۰- پرداخت خراج:

بسیار بجاست که فرازهایی از نامه حضرت علی رضی الله عنه به مالک اشتر را در اهمیت خراج و مالیات نقل کنیم: مولا امیر مؤمنان رضی الله عنه می فرمایند:
«فالجنود، باذن الله، حصون الرعيه، و زين الولاه، و عز الدين، و سبل الامن، و ليس تقوم الرعيه الا بهم، ثم لا قوام للجنود الا بما يخرج الله لهم من الخراج الذي يقوون به علي جهاد عدوهم و يعتمدون عليه فيما يصلحهم و يكون من وراء حاجتهم» (۲۲)
پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راههای مشخص امنیت کشورند امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و



۱۸. سوره انفال / ۶۰

۱۹. سوره توبه / ۱۱۱

۲۰. سوره توبه / ۱۸

۲۱. سوره نساء / ۹۲

۲۲. نهج البلاغه / نامه ۱۵۳ / ص ۵۲۳

برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی های خود را برطرف سازند.

در قسمت دیگر نامه، متأخر از مطالب ذکر شده، می فرمایند:

«و تفقد امر الخراج بما يصلح اهلك، فان في صلاحه صلاحا لمن سواهم ولا صلاح

لمن سواهم الا بهم، لان الناس كلهم عيال علي الخراج واهله» (۲۳)

مالیات و بسیت المال را بگونه ای وارسسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می باشد و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت، زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند.

۱۱- وقف

نقش مهم موقوفات و تأثیرات مثبت آن در حیات و شئون مختلف زندگی مسلمانان نیز منوط به تمکن و دارائی است.

۱۲- ارث و ماترک

مباحث مفصل قانون ارث، تماما منوط به مال است.

شایسته است باچند حدیث شریف از پیامبر بزرگوار و امامان برحق و هادیان الهی در زمینه ارزش مالی که آخرت ساز است، بهره مند گردیم:

۱- پیامبر اکرم ﷺ:

«نعم العون علي تقوي الله الغني» (۲۴)

ثروت و مال، یار و معین خوبی است برای تقوی الهی

۲- حضرت امام صادق علیه السلام

«نعم العون علي الآخرة الدنيا» (۲۵)

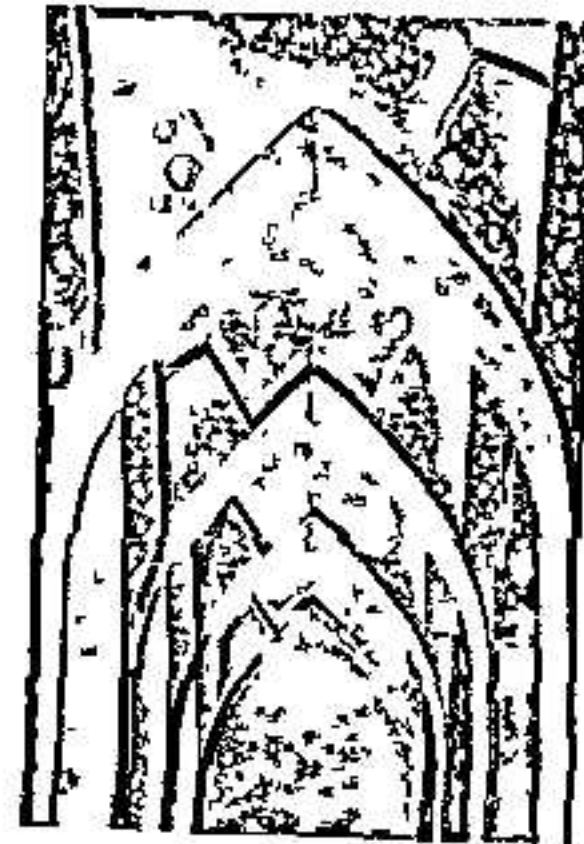
دنیا کمک خوبی است برای آخرت.

«نعم العون الدنيا علي طلب الآخرة» (۲۶)

۳- حضرت امام صادق علیه السلام

«غني يخرجك عن الظلم خير من فقر يحملك علي الاثم» (۲۷)

ثروتی که ترا از ظلم باز دارد، از فقری که ترا به گناه وا دارد، بهتر است.



۲۳. نهج البلاغه / نامه ۵۳ / ص ۱۵۲۲ / ترجمه مرحوم دشتی.

۲۴. وسائل الشیعه / ج ۱۷ / ص ۲۹.

۲۵. وسائل الشیعه / ج ۱۷ / ص ۲۹.

۲۶. وسائل الشیعه / ج ۱۷ / ص ۲۰.

۲۷. وسائل الشیعه / ج ۱۷ / ص ۲۱.

۴- حضرت امام صادق علیه السلام:

«لاخیر فیمن لا یحب جمع المال من حلال، یکف به وجهه ویقضي به دینه ویصل به رحمه» (۲۸)
آن که دوست ندارد از طریق حلال مالی جمع کند تا به وسیله آن
آبرویش را حفظ نماید، دین و بدهی خود را ادا کند و صله رحم
نماید، خیری نمی بیند و نفعی نمی برد.

۵- حضرت امام صادق علیه السلام:

قال رجل لابی عبدالله علیه السلام:

«والله اننا نطلب الدنیا ونحب ان نؤتاها، فقال تحب ان تصنع بها ماذا؟

قال: اعوذ بها علی نفسي و عیالی و اصل بها، و اتصدق بها، و احج و اعتمر.

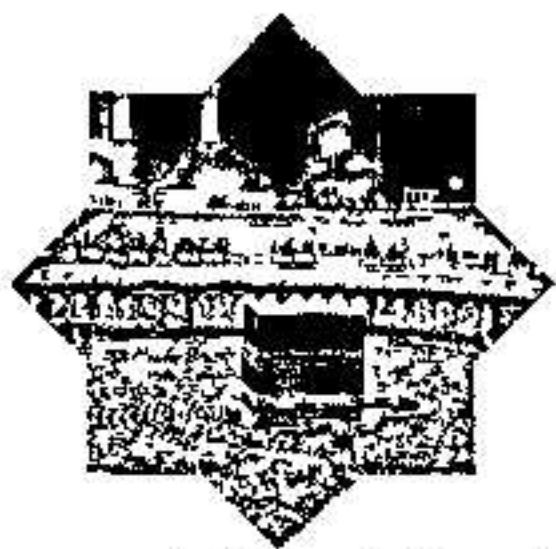
فقال ابو عبدالله علیه السلام: لیس طلب الدنیا، هذا طلب الآخرة» (۲۹)

مردی به حضرت صادق علیه السلام گفت: بخدا سوگند، ما دنیا را می جوئیم
و دوست داریم بما مال داده شود (صاحب مال شویم) حضرت
فرمودند: دوست داری که با این مال چه کنی؟
گفت: خرج خودم و خانواده ام کنم، صله رحم نمایم، صدقه بدهم،
حج بگذارم، عمره بروم.

حضرت فرمودند: این دنیا خواهی نیست، این آخرت خواهی است.
یعنی تو با این کارهای خوب، مال را وسیله آخرت خواهی قرار داده‌ای.
❦ یاد آوری:

چه خوب است جوانان جوامع اسلامی و همه عزیزانی که ادعای
دینداری می کنند و می خواهند برای خدا، آخرت خود را آباد
سازند، تن به کار بینند و با تلاش و کوشش و زحمت کشیدن،
زندگی خود را آبرومندانه اداره کنند و انتظار نداشته باشند با راحت
طلبی و آسایش و تن پروری ارتزاق کنند و خود را مسلمان دانند.
پیشوایان دینی بزرگوار، با نحوه زندگی خود، نوع زندگی
شرافتمندانه را به ما آموخته و راه را بر ما هموار ساخته اند.

۱- یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: یک روز تابستانی بس یار
گرم، امام را در بعضی از راه های مدینه مشغول بکار دیدم، عرض
کردم فدایت کردم شما با مقامی که نزد خدا داری و به پیغمبر خدا



۲۸. وسائل الشیعه / ذیل باب
استحباب جمع المال لاجل التفقه
فی الطاعات / ص ۳۳.
۲۹. همان مصدر / ص ۳۴.

نزدیکی، چرا خود را در چنین روز گرمی به زحمت انداخته ای؟
حضرت فرمودند: من برای طلب رزق از خانه خارج شده ام تا از مثل
تویی نیاز باشم. «لا ستغنی عن مثلک» (۳۰)

۲- یکی از یاران حضرت صادق علیه السلام می گوید: خدمت آقا نشسته
بودم که علام بن کامل آمد و خدمت امام نشست، از آقا تقاضا
کرد: (ادع الله ان یرزقني فی دعه، قال لا ادعولک، اطلب کما امرک الله عزوجل)
از خداوند بخواه و دعا کن که خدا روزی مرا با آسایش قرار دهد،
امام جواب دادند: من چنین دعائی برای تو نمی کنم برو و روزی خود
را آنچنانکه خداوند به تو دستور داده، طلب نما! (۳۱)
ملاک تشخیص مال ممدوح و مال مذموم از نظر قرآن:
الف) مال ممدوح:

و آن مالی است که در راه صلاح و تأمین منافع عامه و کسب آخرت
هزینه شود:

«وابع فیما اتاک الله الذار الآخره ولا تنس نصیبک من الدنیا واحسن کما احسن
الله الیک ولا تبغ الفساد فی الارض ان الله لا یحب المفسدین» (۳۲)

۱- با آنچه خداوند به تو داده است آخرت را بجوی (از قبیل کارهای
مفیدی که بیش از این، آیات آن به تفصیل آورده شد).

۲- سهم و نصیب خود را از دنیا (جهت تغذیه، پوشاک، مسکن، تأمین
مایحتاج زندگی و مخارج ضروری از قبیل هزینه تحصیلات فرزندان،
به راه انداختن وسائل ازدواج و کسب و کار آنها و...) فراموش مکن.

۳- همچنانکه خداوند به تو نیکی کرده است و امکانات را برای تو
فراهم کرده تو هم به دیگران نیکی کن و از بذل مال دریغ مدار.

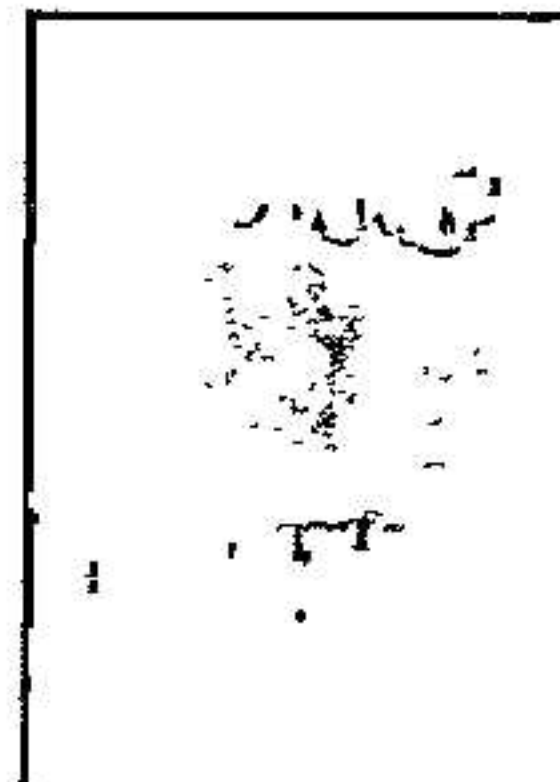
۴- در زمین فساد و تباهی مکن که خداوند تبهاران را
دوست ندارد.

«واتی المال علی حبّه ذوی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل

والسائلین و فی الرقاب» (۳۳)

ب) مال مذموم:

و آن مالی است که از حرام به دست آمده و یا از راه حلال جمع شود



۲۰. وسائل الشیبه / ج ۱۷ / ص ۲۰.

۲۱. وسائل الشیبه / ج ۱۷ / ص ۲۰.

۲۲. سوره قصص / ۷۷.

۲۳. سوره بقره / ۱۷۷.

ولی در راه های خیر صرف نشود:
نمونه های دسته اول:

۱- «احل الله البيع وحرّم الربا» (۳۴)

۲- «واخذهم الربا وقد نهوا عنه واكلهم اموال الناس بالباطل» (نساء / ۱۶)

خوردن مال مردم به ناحق، چون دزدی، غصب، وام گرفتن و پس ندادن، خرید کالا و قیمت آن را نپرداختن و انواع کلاهبرداری ها.

۳- «وتري كثيرا منهم يسارعون في الاثم والعدوان واكلهم السحت» (۳۵)

۴- «واتوا اليتامي اموالهم ولا تبدلوا الخيث بالطيب ولا تأكلوا اموالهم الي اموالكم انه كان حوبا كبيرا» (۳۶)

(تصرف در مال یتیم و در آویختن مال حلال با مال حرام) و نظائر آنها نمونه دسته دوم: (مال حلالی که جمع شود ولی در راه خیر صرف نشود)

۱- «والذين يكتزون الذهب والفضه ولا ينفقونها في سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم* يوم يحمي عليها في نار جهنم فتكوي بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما كنتم لاتنقم فذوقوا ما كنتم تكزون» (۳۷)

کسانی که طلا و نقره را گنجینه نمایند و در راه خدا هزینه نکنند، عذاب دردناکی به آنان نوید بدهد، در قیامت این طلا و نقره (اندوخته شده و در راه انفاق نشده) در آتش جهنم گذاخته می شود و با آن، پیشانی، پهلوها و پشت آنها داغ می گردد، این همان اندوخته هایی است که بنفع خود ذخیره می کردید، پس بچشید مزه چیزی را که ذخیره می کردید.

۲- «كلابل لا تكرمون اليتيم* ولا تحاضون علي طعام المسكين*

وتأكلون التراثا كلالما* و تحبون المال حبا جما» (۳۸)

مالی که با آن، یتیم را نوازید و گرامی مدارید و دیگران را بر اطعام مسکینان تشویق نکنید و آنچه را از راه میراث به شما رسیده بدون صرف در خیرات و هزینه های ضروری و دادن حق محرومان، یکجا به نفع خود، حریصانه، بردارید و استفاده کنید و اموال و دارائی را ماعم از حلال و حرام، مشروع و غیر مشروع دوست می دارید که به نفع



۲۴. سوره بقره/ ۲۷۵.

۲۵. سوره مائده/ ۶۲.

۲۶. سوره نساء/ ۲.

۲۷. سوره توبه/ ۲۴ و ۲۵.

۲۸. سوره فجر/ ۱۷ تا ۲۰.

خود خرج کنید و از دستگیری محرومان غافلید.

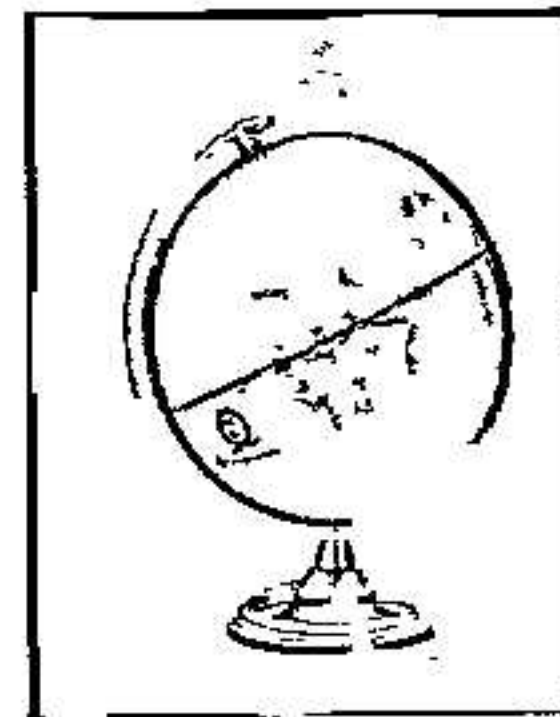
❁ **دنیای خوب سازنده و دنیای بد ویرانگر از نظر قرآن و روایات:**
نمونه هائی از دسته اول:

۱- «سابقوا الی مغفره من ربکم و جنته عرضها کعرض السماء و الارض اعدت للذین آمنوا بالله و رسوله ذلك فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم» (۳۹)
این دنیا است که می تواند با بهره گیری صحیح از این پایگاه بسوی مغفرت پروردگارتان سبقت بگیرد و به بهشتی وارد شوید که پهنای آن همچون زمین و آسمان است.

۲- از امیر المؤمنین علیه السلام در حکمت ۱۳۱ نهج البلاغه می آموزیم:

«ان الدنيا دار صدق لمن صدقها، و دار عافیه لمن فهم عنها، و دار غنی لمن تزود منها، و دار موعظه لمن اتعظ بها، مسجد احبب الله و مصلي ملائکه الله و مهبط وحي الله و متجر اولیاء الله. اکسبوا فیها الرّحمه، و ربجوا فیها الجنه، فمن ذابذمتها و قد اذنت بینها و نادت فراقها و نعت نفسها و اهلها، فسئلت لهم ببلاتها البلاء و شوقهم بسرورها الی السرور؟ راحت بعافیه و ابتکرت بفجیعته (نجعه)، ترغیبا و ترهیبا، و تخویفاً و تحذیراً. فذمتها رجال غداه التدامه و حمدوا اخرون یوم القیامه. ذکرتهم الدنیا فتذکروا و حدثتهم فصدقوا، و وعظتهم فاتمظوا»

همانا دنیا، سرای راستی برای راستگویان، و خانه تندرستی برای دنیا شناسان، و خانه بی نیازی برای توشه گیران، و خانه پند برای پند آموزان است. دنیا سجده گاه دوستان خدا، نماز گاه فرشتگان الهی، فرود گاه وحی خدا، و جایگاه تجارت دوستان خداست که در آن رحمت خدا را به دست آوردند و بهشت را سود بردند. چه کسی دنیا را نکوهش می کند؟ و جدا شدنش را اعلام داشته و فریاد زد که ماندگار نیست و از نابودی خود و اهلش خبر داده است؟ و حال آنکه دنیا با بلای خود بلاها را نمونه آورد، و با شادمانی خود آنان را به شادمانی رساند. در آغاز شب به سلامت گذشت، اما در صبحگاهان با مصیبتی جانکاه باز گشت تا مشتاق کند و تهدید نماید و بترساند و هشدار دهد. پس مردمی در بامداد با پیشانی، دنیا را نکوهش کنند و



مردمی دیگر در روز قیامت آن را می ستایند، دنیا حقایق را به خاطرشان آورد، یادآور آن شدند، از رویدادها برایشان حکایت کرد، او را تصدیق کردند و اندرزشان داد، پند پذیرفتند.

نمونه های دسته دوم (دنیای مدموم) از قرآن کریم:

۱- «اعلموا انما الحياه الدنيا لعب و لهو زينه و تفاخر بينكم و تكاثر في الاموال و الاولاد كمثل غيث اعجب الكفار نباته ثم يهيج ففته مصفرا ثم يكون حطاما و في الآخرة عذاب شديد و مغفرة من الله و رضوان و ما الحياه الدنيا الا متاع الغرور» (۴۰)

بسدانید زندگی دنیا، تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و فزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می برد، سپس خشک می شود به گونه ای که آن را زرد می بینی، سپس تبدیل به کاه می شود و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت یا رضای الهی، و (به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.

۲- «زين للناس حب الشهوات من النساء و البنين و القناطير المقتطع من الذهب و الفضه و الخيل المسومه و الانعام و الحرث ذلك متاع الحياه الدنيا و الله عنده حسن المتاب» (۴۱)

محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن آزمایش و تربیت شوند ولی) اینها (در صورتی که هدف نهائی آدمی را تشکیل دهند) سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان) نزد خداست.

❁ نتیجه پایانی:

مال و دنیا، اگر وسیله رسیدن به درجات عالیه آخرت باشد، ممدوح و پسندیده است زیرا کسب رضوان الهی و مشمول آیات:

«يا ايها النفس المطمئنه * ارجعي الي ربك راضيه مرضيه *

فادخلي في عبادي * وادخلي جنتي» (۴۲)

قرار گرفتن جز در دنیا، از راه دیگری وجود ندارد، لذا حضرت امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جندب می فرمایند:

«فوالله ما تنال ولايتنا الا بالورع و الاجتهاد في الدنيا و مواساه الاخوان في الله» (۴۳)



۴۰. سوره حدید/۲۰.

۴۱. سوره آل عمران/۱۴.

۴۲. سوره فجر/۲۷ تا ۳۰.

۴۳. تحف العقول / ص ۳۱۴.

و اگر مال و دنیا برای انسان هدف تلقی شود که برای درک لذات دنیائی و رسیدن به امیال نفسانی تلاش کند تا مالی اندوخته کند و آخرتی را نبیند، این مال در این دنیا مذموم و نکوهیده است.

انسانی که مالک خود باشد و آزاد، مال و دنیای او پسندیده است چون خود او بزرگوار است. و انسانی که خود را به آرزوهایش بفروشد و زندگی را به تباهی کشاند مال و دنیای او مذموم است چون او خود پست و فرومایه است.

سخن مولا امیرالمؤمنین علیه السلام بهترین ملاک و روشنی بخش حقایق است.

«الدنيا دار ممر لا دار مقر، والناس فيها رجالان: رجل باع فيها نفسه فابوتها،

و رجل اتبع نفسه فاعتتها» (۴۴)

دنیا گذرگاه است، نه جای ماندن و اقامت، مردم در دنیا دو دسته اند: یکی آنکه خود را فروخت و نفس را به تباهی کشاند و خود را ذلیل نمود و دیگری آنکه خود را خرید و آزاد کرد.

باز گشت به بحث و تحقیق پیرامون قسمت اخیر آیه:

«ولا تؤتوا السفهاء اموالكم التي جعل الله لكم قياما»

خداوند بعد از آنکه مال را مایه استواری و قوام زندگی جامعه معرفی کرده است می فرماید:

«وارزقوهم فيها واكسوهم و قولوا لهم قولا معروفا» (۴۵)

تذکره: فرق «وارزقوهم فيها» با «منها» چیست؟

اگر مالی به شما سپرده شود و بگویند مخارج صاحب مال را از اصل مال هزینه کنید، پس از مدتی از اصل مال چیزی نمی ماند و می گوئید مجدداً پول حواله کنید پول های اول تماماً پرداخت شده، در فرض

فوق، عبارت «وارزقوهم منها» را استعمال می کنیم.

اما اگر مالی به شما سپرده شود و از شما بخواهند با اصل مال تجارت کنید و از منافع مال، مخارج صاحب مال را تأمین کنید، در این صورت اصل مال محفوظ می ماند و صاحب مال چون بالغ و رشید شود اصل مال را به او می سپارید، اینجا است که باید عبارت

«وارزقوهم فيها» را بکار برد.



قرآن چون مال را مایه قوام جامعه می شناسد، دستور می دهد اولاً: سرپرستان اموال ایتام را در اختیار آنها نگذارند و هر گاه به سن بلوغ و رشد و تشخیص منافع از مضار خود رسیدند، با گرفتن شهود حتماً اموالشان را به آنها مسترد دارید، ثانیاً: تا مدتی که مال یتیمان و سفیهان در اختیار سرپرستان قرار دارد، سرپرست با بکار انداختن مال در تجارت و کسب، از منافع مال سه مسأله اساسی را باید عهده دار شود:

(۱) خوراک، (۲) پوشاک، (۳) تعلیم و تربیت.

«وارزقوهم فیها»: مسأله تغذیه و خوراک.

«واکسوهم»: مسأله پوشاک و لباس مناسب و می توان واکسوهم را نیز شامل مسکن آنها نمود زیرا مسکن هم یک نوع پوشش است.

«وقولوا لهم قوالاً معروفاً»: شامل آداب سخن گفتن، ادب و اخلاق و کل تعلیم و تربیت می باشد.

لذا با حفظ ارزش مال، هم تا زمان بلوغ یتیمان و سفیهان، اصل مال محفوظ می ماند و هم با منافع مال، مسائل اساسی و حیاتی آنان در زمینه های یاد شده، به نحو احسن، تأمین می گردد.

در پایان باید اعتراف کرد: بدبختی افراد و فساد جامعه، در دوری از راهنماییهای حیات بخش قرآن کریم و عمل نکردن به دستور العمل های این کتاب آسمانی است. لذا جوامع مختلف بخصوص جامعه اسلامی، باید با معارف عالیله قرآن کریم در تمامی زمینه ها بیشتر آشنا گردد تا به سعادت مطلوب دست یابد.

(آنچه از اینجانب تاکنون در مجلات تخصصی منتشر شده است در ارتباط با نکات ادبی، فنون بلاغی قرآن و نقد هائی بر برخی از ترجمه های فارسی و بیان اشکال آنها از جهت مسائل صرف و نحو و فن ترجمه و یا طرح هائی در جهت دستیابی به ترجمه کامل قرآن، نگارش یافته است.

ولی اخیراً تصمیم گرفته ام وقت خود و خوانندگان را به مسأله ای مهم تر معطوف دارم. این روزها احساس می کنم آیات نورانی قرآن همگان را برای تحقیق و تدوین مطالب حیات بخش معارف خود می طلبند و با صدای رسا، همه انسان ها را به آگاهی از راه های سعادت و اهداف عالیله خود فرامی خواند. با بیان این مقدمه کوتاه، سبب تغییر مسیر فکری نویسنده، مشخص می گردد و امید است با تأییدات خداوند سبحان و عنایات انوار طیبه حضرات معصومین علیهم السلام بتوانیم در حد توان و درک خود، بدون اعمال نظریات شخصی و انحراف از مسیر حق، سلسله مقالات معارف قرآن را به جامعه اسلامی تقدیم نماییم و ان شاء الله هم خود توفیق عمل یابیم و هم جامعه اسلامی با بهره مندی از سرچشمه زلال معارف حقّه قرآن کریم، به مجد و عظمت و حیات طیبه موعود نائل گردند.)



• بجا می باشد که فقیران را به دو گروه تقسیم کنیم یکی فقیران قاصر و دیگر فقیران مقصر و آنچه ما در مذمت فقیران گفتیم متوجه فقیران مقصر می باشد.